

نگونه

خوشه در گونه
برش خدایان خدایان

سینه نترس
بر سینه دیوار سنگی

آرزو
در پیانوس گامی

مغز - سرگشته

وین در عباد آیین اندیشه

از پله - پله می سارده آ

مها مردم بالا

تارسم به کجا ؟

به انقشاش همه عوالم است و مید

به انقمار آفرینش

یا
به راز بود و نبود خدا ؟

+ + +

آرامه
لندن دسامبر دوم ۱۹۷۱

گفته
گفته

خوشه خوشه بگفته
بگفته - گوشه های فاران

دسته - دسته ، پرند
بر سبز سبز کس بهاران

آرزو - در طنین و گویو
عشق - گفته

من در غبار آبن اندیشه

از پله - پله ستاره که

مباروم بالا

تا رسم به کجا ؟

به نورس به اغوشی هست و نیست ؟

به درغبار آفرینش ،

یا
بر از بود و نبود و خدا ؟

+ + +

آینه

عزله

۱۳۷۹